

درباره‌ی نقش بدیع و مخزن الاسرار

چکیده:

مخزن الاسرار از میان آثار نظامی بیش از دیگران مورد تقلید قرار گرفته است. در میان این مثنوی‌های تقلیدی، نقش بدیع غزالی مشه‌دی شاعر قرن دهم هجری، از جایگاه خاصی بهره‌مند است. غزالی مشه‌دی اگر چه شاعر گمنامی است، اما شعرش از چنان پایگاهی برخوردار است که در بسیاری جهات پهلو به مخزن الاسرار نظامی می‌زند در این مقاله سعی شده است، ضمن معرفی کامل مثنوی نقش بدیع از جهت ساختار و محتوا با مخزن الاسرار نظامی نیز مقایسه شود.

واژه‌های کلیدی:

شعر فارسی، نظامی، غزالی مشه‌دی، مخزن الاسرار، نقش بدیع

مثنوی نقش بدیع بر طبق نظر اکثر تذکره‌نویسان و محققان، ارزشمندترین اثر ادبی غزالی مشهودی است و بعضی‌ها آن را مهم‌ترین اثر ادبی قرن دهم هجری دانسته‌اند. مثلاً دکتر صفا در مورد نقش بدیع می‌نویسد:

«مثنوی‌های غزالی همه، خاصه نقش بدیع در زمره‌ی بهترین اثرهایی است که از دوران صفوی داریم و نحوه‌ی بیان‌شان در آنها همان ویژگی عمومی شعر وی را به همراه دارد، روان و پخته و منتخب و صریح است و مضمون‌یابی‌هایی استادانه‌ای که در آنها می‌بینیم ما را به یاد هنرنمایی‌های ساحران‌هی نظامی می‌افکند. او در این راه بیشتر به مخزن‌الاسرار آن استاد بزرگ نظر داشته و چنانکه خواهیم دید چند بار به جوابگویی آن برخاسته است.» (صفا، ۱۳۶۴: ۷۰۴)

در ادامه‌ی گفتار دکتر صفا باید بیفزاییم که نه تنها غزالی مشهودی و آن هم نه فقط با مثنوی نقش بدیع از نظامی و مخزن‌الاسرار تقلید کرده است. بلکه‌ی مؤلف تذکره‌ی هفت آسمان ۷۸ مثنوی را نام برده که به تقلید از مخزن‌الاسرار نظامی سروده شده است. (مولوی آغا احمد، ۱۹۶۵: ۱۰۰ تا ۱۰۴) در همین کتاب از چهار مثنوی غزالی مشهودی یعنی نقش بدیع، مشهد انوار، مرآت الصفات و قدرت آثار یاد می‌کند که به تقلید از مخزن‌الاسرار به نظم درآمده است. شعر المعجم نیز ۵۹ مثنوی را که به تقلید از مخزن‌الاسرار سروده شده، معرفی کرده است. (نعمانی، ۱۳۶۸: ۱۶۳ و ۱۶۴) اما تمامی این مقلدین در تقلید خود موفق نبوده‌اند، مؤلف هفت آسمان چهار نفر را در این تقلید از دیگران موفق‌تر دانسته، که عبارتند از: امیر خسرو دهلوی با مثنوی مطلع الانوار، عبدالرحمن جامی با تحفة الاحرار، هاشمی کرمانی با مظهرالآثار و وحشی باققی با خلد برین. (مولوی آغا احمد، ۱۹۶۵: ۱۷۴)

شاید مؤلف هفت آسمان به علت عدم اطلاع دقیق از اشعار مثنوی نقش بدیع نام این مثنوی گرانمایه را در ردیف چهار تقلید موفق از مخزن‌الاسرار نیاورده است و گر نه با دقتی که در ابیات این مثنوی از نظر لفظ و معنا صورت دادیم، به جرأت می‌توانیم حکم کنیم که یکی از موفق‌ترین تقلیدهای مخزن‌الاسرار، مثنوی نقش بدیع است. جالب این است که تمامی این مثنوی‌های تقلیدی در همان بحر «سریع مسدس مطوی موقوف» سروده شده و حتی مصراع اول بسیاری از آنها همان نخستین مصراع مخزن‌الاسرار است، به این ترتیب:

بسم الله الرحمن الرحيم خطبه‌ی قدس است به ملک قدیم
(مطلع الانوار، امیر خسرو دهلوی)

بسم الله الرحمن الرحيم هست صلا‌ی سرِ خوان کریم
(تحفة الاحرار، عبدالرحمن جامی)

بسم الله الرحمن الرحيم تاج کلامست و کلام قدیم
(گلشن ابرار، کاتبی نیشابوری)

بسم الله الرحمن الرحيم نقش بدیعت ز کلک قدیم
(نقش بدیع، غزالی مشهدی)

غزالی مشهدی علاوه بر مثنوی نقش بدیع و سه مثنوی دیگری که به تقلید مخزن الاسرار سروده است، دیوان آثارالشباب خود را نیز با این بیت آغاز کرده است:

بسم الله الرحمن الرحيم هست شهاب از پی دیو رحیم
غزالی مشهدی کار سرودن نقش بدیع را در ایران و به نام شاه تهماسب صفوی آغاز کرد و بعد از مهاجرت به هند و وارد شدن به دربار علی قلی خان شیبانی، خان زمان و حاکم جونپور، نقش بدیع را به نام او به پایان رسانید، در نسخه‌های خطی که مبنای تصحیح این مثنوی بوده است، ابیاتی هم در مدح شاه تهماسب و هم در ستایش خان زمان وجود دارد. استاد گلچین معانی می‌نویسد که از میان نسخه‌های نقش بدیع یکی را نیز مصدر به نام اکبر شاه ملاحظه کرده‌اند. (گلچین معانی، ۱۳۵۹: ۳۱۱). به این ترتیب به نظر می‌رسد که غزالی پس از قتل خان زمان و راهیابی به دربار اکبر شاه و احراز مقام ملک‌الشعرایی، علاوه بر دیوان آثارالشباب نسخه‌ای از نقش بدیع خود را نیز به نام اکبر شاه زینت داده است. البته نسخه‌هایی که ما بر آنها دست یافته و تصحیح کتاب حاضر را بر آن استوار کرده‌ایم هیچ‌کدام به نام اکبر شاه نیست.

مثنوی نقش بدیع مشتمل است بر یک مقدمه به نثر، با ۹۵ بیت در موضوع عرفان و حکمت که هر چند تعداد ابیاتش زیاد نیست، اما به ادعای خود او «آینه‌ی عالم» است:

نقش بدیعت بدایع نگار آگه ازو پرده نشینان کار
ابر ضمیرم چو گهریار شد نیم دمی در سر این کار شد
یک دو نفس گر زدی این بحر موج موج گهر زود گذشتی ز اوج

صورت این نامه چه شد گر کم است معنی او آینه‌ی عالم است
(ب ۶۵-۸۶۲)

در مورد نام این مثنوی باید گفت که برخی از محققان از جمله دکتر صفا احتمال داده‌اند که: مثنوی نقش بدیع در اصل با مثنوی مشهد انوار یکی بوده، اما بعدها با الهام از بیت اول این مثنوی:

بسم الله الرحمن الرحيم نقش بدیعت ز کلک قدیم
به نقش بدیع شهرت یافته باشد. (صفا، ۱۳۶۴: ۷۰۶) آنچه باعث پدید آمدن این گمان برای دکتر صفا شده، این است که در بعضی از تذکرها مثل نفائس المآثر ابیاتی از مشهد انوار نقل شده که در نسخه‌های خطی نقش بدیع نیز وجود دارد، تذکره‌ی هفت آسمان هم ابیاتی به این شرح از مشهد انوار نقل کرده، در حالی که در نسخه‌های خطی نقش بدیع نیز یافت می‌شود.

خیز غزالی قلمی تیز کن بحر هنر را گهر انگیز کن
پایه‌ی معنی به ثریا رسان کوکبه‌ی شعر بسه شعری رسان
هست جهانگیرتر از مهر و ماه تیغ زبان تو و شمشیر شاه
(نقش بدیع ب ۵۵-۲۵۲)

بس که شدند از تو ضعیفان دلیر گشت صف مورچه زنجیر شیر
(ب ۳۲۵)

البته بی‌تی نیز نقل کرده که در متن تصحیح شده‌ی نقش بدیع یافت نشد:

تا سخنی سوی لب از جان رسد جان به لب مرد سخندان رسد
(مولوی آغا احمد، ۱۹۶۵: ۱۰۱)

در همین کتاب ابیاتی به نقل از نفائس المآثر آمده و آنها را متعلق به مرآت الصفات دانسته است. (مولوی آغا احمد، ۱۹۶۵: ۱۰۲) در حالی که این ابیات هم از نقش بدیع غزالی است:

آنکه کسه قضا پیشرو تیر اوست قاف قدر حلقه‌ی زه گیر اوست
تاج ده تارک روپین تان سرشکن کبر قوی گردان
شاه فلک مسند خورشید رخس ملک ستانده‌ی اقلیم بخش
گر بکشد تیغ جهان سوز را قطع کند سلک شب و روز را

ور نخورد مهر- می از جام او تیغ شود موی بر اندام او
سوی فلک گر فکند چشم کین آب شود چرخ و رود بر زمین
رای وی از عقل جوان پیرتر بخت وی از صبح، جهانگیرتر
(ب، ۲۶۷-۲۶۱)

ابر حیا کان کرم بحر جود ترازه گل گلشن چرخ کبود
(ب، ۳۱۴)

باد درین سقف برانگیخته تا به ابد ریخته و بیخته،
گرد فنا بیخته بردشمنش نقد بقا ریخته در دامش
(ب ۳۰۳ و ۳۰۴)

برعکس بعضی ابیات در تذکرها به عنوان بیت‌هایی از نقش بدیع آمده است درحالی که این ابیات در دستنویسهای این کتاب نیست از جمله در تذکره‌ی هفت اقلیم (رازی، بی تا: ۲۱۱) و تاریخ ادبیات در ایران (صفا، ۱۳۶۴: ۷۰۹) این ابیات را ذکر کرده‌اند:

از پس این پرده‌ی سیماب گون آنسبچه بیبایست بیامد برون
هر سر مویی که درین رشته است از سر یک رشته جدا گشته است
تا نشوی خوار مشو خودپرست هست به صد خوبی ما هر که هست
پای عزیزان ز سبیر ما بهست عیب کسان از هنر ما بهست
بی‌هنری، زان شده‌ای عیب‌گوی بی‌هنر البته بود عیب‌جوی
نام خود و نام پدر زنده کن مرده‌ی خود را به هنر زنده کن
از پدر مرده مگو هر زمان گسر نه سگی، چون خوشی از استخوان؟

علاوه بر این مطالب در کتاب فهرست نسخ خطی فارسی. (منزوی، ۱۳۵۱: ۳۲۸۲ و ۳۲۸۳) ضمن معرفی دستنویس‌های نقش بدیع هنگام بحث از نسخه‌ی خطی متعلق به آقای فخرالدین نصیری آمده است که بر ابتدای این نسخه با خطی تازه‌تر از متن نام تحفه‌الاحرار ثبت شده است. عرفات العاشقین نام دیگر یا دست کم صفت مثنوی نقش بدیع را «گوهر شهوار» یاد کرده است به این بیان:

«پس وی [غزالی] به خدمت خان زمان درآمده و در ملازمت او و برادرش بهادرخان به سرکرد

و کتاب نقش بدیع، بل «گوهر شهوار» و غیره اکثر در خدمت و صحبت ایشان گفته شد.» (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۹۴۰)

شاعر در بیتی یادآور می‌شود که این مثنوی را در زمان کوتاهی سروده است:

ایر ضمیرم چو گه‌رباد شد نیم دمی در سر این کار شد
(ب، ۸۶۳)

در بررسی نقش بدیع به این نکته پی می‌بریم که غزالی در سرودن این مثنوی در موارد متعددی از مخزن‌الاسرار تقلید کرده و از آن بهره‌ها برده است.

موارد تقلید و اقتباس را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- هر دو مثنوی در بحر سریع مسدس مطوی موقوف (مفتعلن، مفتعلن، فاعلان) سروده شده است.

- مصراع اول هر دو مثنوی «بسم الله الرحمن الرحیم» است.

- مقایسه‌ای بین مباحث و فصول نقش بدیع و مخزن‌الاسرار نشان می‌دهد که نحوه‌ی تنظیم مطالب و سرفصل مباحث نقش بدیع گاهی عیناً تکرار مباحث مخزن‌الاسرار و گاه بسیار با آن شبیه است مثلاً:

در نقش بدیع همانند مخزن‌الاسرار به ترتیب مباحثی پیرامون آغاز کتاب، توحید حضرت باری، در معرفت حق تعالی، در نعت سید المرسلین و معراج پیامبر (ص) آمده که همین مباحث در بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ مخزن‌الاسرار هم دیده می‌شود. پس از این، هر دو مثنوی در مدح ممدوح (غزالی: خان زمان و شاه تهماسب؛ نظامی: ملک فخرالدین) ابیاتی آورده‌اند.

- نظامی و غزالی هر دو در اهمیت و فضیلت سخن ابیاتی دارند.

- نظامی پس از آنکه از مقدمات کتاب فارغ می‌شود، مطالبی را با عنوان «در خلوت اول و صفت رباحین» و «خلوت دوم در گشایش حالات»، «در صفت خلوتی دیگر» می‌آورد؛ غزالی هم پس از فراغ از مقدمات، مطالبی را با عنوان «در فیض صبح نخستین» و «در افاضه‌ی صبح دوم» آورده که در بعضی نسخ با عنوان «گه‌رفشانی اول و ثانی و ثالث» از آنها یاد شده است.

- نظامی پس از طرح خلوت‌های سه‌گانه، بیست مقاله در پند و حکمت می‌آورد و بعد از هر مقاله‌ای که مربوط به حالتی خاص از انسان است، حکایتی ذکر می‌کند. غزالی نیز مقاله‌ی اول را

«در مرتبه‌ی آدم» با عنوان «امر صفت عشق یا بیان فطرت انسان» می‌آورد و بعد از هر بند حکایتی نیز ذکر می‌کند.

- اشخاصی که در حکایات هر دو مثنوی مطرح می‌شوند شبیه هم است مثل: مجنون، لیلی، یوسف و زلیخا.

- مخزن الاسرار با عنوان «در ختم کتاب» و نقش بدیع با عنوان «در تعریف کتاب و خاتمه‌ی آن» به پایان می‌رسد.

علاوه بر اینها آثار تقلید در نقش بدیع از جاهای دیگر هم پیداست، غزالی حتی ابیات و ترکیبات خاصی از ابیات را از مخزن الاسرار عیناً نقل کرده یا مضمون آن را با لفظی دیگر آورده است مانند ابیات ذیل:

(م) بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم

(۱/۱)

(ن) بسم الله الرحمن الرحيم نقش بدیعت ز کلک قدیم

(۱)

(م) پیش و پسی بست صف کبریا پس شعرا آمد و پیش انبیا

(۱۴/۹)

(ن) پیش و پسی بست صف کبریا پس شعرا آمد و پیش انبیا

(۲۹۲)

(م) صبح نخستین چو نفس برزند صبح دوم بانگ بر اختر زند

(۱۵/۳۶)

(ن) صبح نخستین چو علم برکشید شب سپه خود به زمین رد کشید

(۴۱۲)

(م) مشعلی صبح تو بردی به شام صادق و کاذب تو نهادیش نام

(۳۳/۲۳)

(ن) مشعلی صبح ازل در گرفت ظلمت من راه عدم در گرفت

(۴۴۲)

- (م) مهر کثر رشته‌ی یکتای عقل روشنی دیده‌ی بینای عقل
(۱/۹)
- (ن) روشنی دیده‌ی ادراک عشق بدرقه‌ی راه خطرناک عشق
(۳۴)
- (م) خام کن پخته‌ی تدبیرها عذر پذیرنده‌ی تقصیرها
(۱/۱۱)
- (ن) در همه دل واقف تدبیرها در همه جا شحنه‌ی تقصیرها
(۴۱)
- (م) شحنه‌ی غوغای هراسندگان چشمه‌ی تدبیر شناسندگان
(۱/۱۲)
- (ن) معرفت آموز شناسندگان معصیت آموز هراسندگان
(۴۰)
- (م) لعل طراز کمر آفتاب حله‌گر خاک و حلی بند آب
(۱/۷)
- (ن) مشعله‌گردان مه و آفتاب جرعه ده آب و روان بخش خاک
(۳۹)
- (م) ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده
(۲/۳)
- (ن) ای شده در پرده‌ی جان پردگی حسن تو پیرایه‌ی دل بردگی
(۷۰)
- (م) آنچه تغیر نپذیرد تویی وانکه نمرده‌ست و نمیرد تویی
(۲/۴)
- (ن) بزم بقا را می و ساقی تویی هر دو جهان فانی و باقی تویی
(۸۲)
- (م) پرده برانداز و برون آی فرد گر منم آن پرده به هم درنورد
(۲/۱۴)

- از ترق غیب برون آی فرد ظلمتیان را ز جهان درنسورد
(۱۰۰)
- (م) عجز فلک را به فلک وانمای عقد جهان را ز جهان واگشای
(۲/۱۵)
- (ن) دایره‌ی چرخ به رامش در آر کوه و زمین را به خرامش در آر
(۱۰۱)
- (م) تا به تو اقرار خدایی دهند بر عدم خویش گواهی دهند
(۲/۲۹)
- (ن) تا همه از حسن تو آگه شوند وز خودی خویش متزه شوند
(۱۰۶)
- (م) بنده نظامی که یکی گوی تُست در دو جهان خاک سرکوی تُست
(۲/۳۷)
- (ن) بنده غزالی که سگ این درست بر درت از خاک بسی کمتر است
(۱۰۸)
- (م) شمشه‌ی نه مسند هفت اختران ختم رسل خاتم پیغمبران
(۶/۱)
- (ن) شمع ندانی که بود اندران ختم رسل خاتم پیغمبران
(۵۱۲)
- (م) خاک تو آن روز که می بیختند از پی معجون دل آویختند
(۳۵/۱۹)
- (ن) خاک دل آن روز که می بیختند شب‌بنمی از عشق برو ریختند
(۵۵۴)
- (م) ستر کواکب قدمش می‌درید سفت ملایک علمش می‌کشید
(۵/۲۶)
- (ن) شاه کواکب علمم برکشید سیر ملایک قدمم بر درید
(۸۵۹)

(م) احمد مرسل که خرد خاک اوست هر دو جهان بسته‌ی فتراک اوست
(۶/۲)

(ن) احمد مرسل شه دنیا و دین گنج ازل مهبط روح الامین
(۱۱۶)

غزالی در مواردی هم مباحث مثنوی خود را به تقلید از مخزن الاسرار نظامی تدوین کرده است.

(م) تخته‌ی اول که الف نقش بست بر در محبوبه‌ی احمد نشست
حلقه‌ی «حی» را کالف اقلیم داد طوق ز «دال» و کمر از «میم» داد
لاجرم او یافت از آن «میم و دال» دایره‌ی دولت و خط کمال
(۴/۳-۱)

(ن) عقل چه داند که کلام خدا چون نشد اول به الف ابتدا
«بی» که کلید آمده برگنج بسم بر که گشودست در این طلسم؟
برخ آن کو «الف» از «بی» شناخت قاعده‌ی صورت و معنی شناخت
حرف نخستین که قلم طرح کرد نقطه‌ی «با» معنی آن شرح کرد
(۵ تا ۲)

(سگ بودن در مقابل معبود به عنوان سمبل خواری و پستی)

(م) کاخ لاف سگیت می‌زنم دبدبه‌ی بسندگیت می‌زنم
(۱۲/۲۰)

(ن) بنده غزالی که سگ این درست بر درت از خاک بسی کمتر است
(۱۰۸)

ذکر ابیاتی در ارتباط با زندگانی پیامبران بزرگ که آن ابیات به نحوی با حضرت رسول (ص) ارتباط یافته است)

(م) نوح که لب تشنه به این خوان رسید چشمه طلب کرد و به طوفان رسید
(۹/۱۳)

(ن) نوح نبود ارچه به دوران او بود ولی غرقه‌ی طوفان او
(۱۱۹)

(م) مهد ابراهیم چو رای او فتاد نیمه ره آمد دو سه جای اوفتاد
(۹/۱۴)

(ن) نار ابراهیم که گلزار شد از اثر آن گسل رخسار شد
(۱۲۲)

(م) یوسف ازین آب عیانی ندید جز رسن و دلو نشانی ندید
خضر عبان زین سفر خشک تافت دامن خود تر شده‌ی چشمه یافت
(۹/۱۸ و ۱۷)

(ن) گر چه نبودست چو یوسف کسی بوده زیوسف نمکی تر بسی
بحر ازل در دل دانسای اوست آب خضر خاک کف پای اوست
(۱۲۱ و ۱۲۸)

غزالی در مواردی با صراحت از نظامی و شعرش یاد کرده است، مثلاً در بیت زیر وی را پیر خود معرفی می‌کند:

می‌دهم آرایش تقریر خویش از گهر مرسله‌ی پیر خویش
«پیش و پسی بست صف کبریا پس شعرا آمد و پیش انبیا»
(۲۹۱ و ۲۹۲)

یا در بیتی دیگر غزالی و نظامی را تحت یک حکم که همانا بی‌مقداری در برابر عظمت باری تعالی است در آورده است.

با علم عزت آن احتشام کیست غزالی و نظامی کدام
در کنار این همه موارد تقلید در مواردی هم غزالی به ابتکار خود مطالبی را آورده است که در مخزن الاسرار رد پایی از آنها یافت نمی‌شود از جمله:

۱- داشتن مقدمه‌ای به نثر که مخزن الاسرار فاقد آن می‌باشد.
۲- غزالی بعد از بیان معراج پیامبر مبحثی تحت عنوان «اعتراض بر جمعی از منکران معراج» مطرح می‌سازد که ابتکاری است.

۳- برخلاف نظامی که بعد از «گفتار اندر فضیلت سخن گفتن» به «مرتب سخن پروری» می‌پردازد، غزالی گفتاری تحت عنوان «در حقیقت معنی» مطرح ساخته، رابطه‌ی لفظ و معنی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۴- غزالی برخلاف نظامی که در ابتدای کتاب بابی تحت عنوان «در سبب نظم کتاب» می‌آورد و در پایان کتاب بابی با عنوان «در ختم کتاب»، غزالی «در تعریف کتاب و خاتمه‌ی آن را» با هم می‌آورد.

۵- برخلاف نظامی که آشکارا به مدح ممدوح پرداخته است، غزالی مدح ممدوح خود را در قالب «تعریف و صفت سخن» آورده، از آوردن عناوینی مثل در مدح ممدوح یا خطاب زمین بوس سر باز می‌زند.

منابع و مآخذ

- ۱- اوحدی، تقی‌الدین، عرفات العاشقین، نسخه‌ی عکسی یانکی‌پور.
- ۲- رازی، امین احمد، هفت اقلیم، ۳ ج، تصحیح جواد فاضل، انتشارات علمی، تهران، بی‌تا.
- ۳- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، پنج جلد، انتشارات فردوسی، ج ۵/۲، تهران ۱۳۶۴.
- ۴- علی‌احمد، مولوی آغا احمد، تذکره‌ی هفت آسمان، کتابفروشی اسدی، تهران ۱۹۶۵ م.
- ۵- غزالی مشهدی، نقش بدیع، تصحیح و تعلیق مهدی ستودیان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۲.
- ۶- گلچین معانی، احمد، تذکره‌ی بیمانه، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد ۱۳۵۹.
- ۷- _____، کاروان هند، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ج ۲، مشهد ۱۳۶۹.
- ۸- منزوی، احمد، فهرست نسخ فارسی، چهار جلد، انتشارات مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ج ۴، تهران ۱۳۵۱.
- ۹- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف، مخزن‌الاسرار، تصحیح بهروز ثروتیان، انتشارات توس، تهران ۱۳۶۳.
- ۱۰- نعمانی، شبلی، شعراالعجم، ترجمه‌ی سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، پنج جلد، انتشارات دنیای کتاب، ج ۵، تهران ۱۳۶۸.